

جمهوری اسلامی ایران

ملت ایران، فرزندان عزیز من:

امروز یکبار دیگر دنیا چشم به درایت و کارداری و موقع شناسی و انضباط شما دوخته است.
حساسیت زمان و عظمت مبارزه و آشفتگی جهان و خرابی اوضاع، هوشیاری را در همه حال ایجاب می‌کند.

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۶۴ سهشنبه دوازدهم اسفند ماه ۱۳۵۹ به ۱۵ ریال

اعلام خطر

کشاورزی

در سراسر سقوط قطعی

فقر سیاه، روستائیان را به شهرها سرازیر می‌کند

عملکرد کار بستان حکومتی دردو سالی که از انقلاب شکوهمند ایران گذشت باید نتواءه داشت و اینک با بررسی بقیه در صفحه هفتم

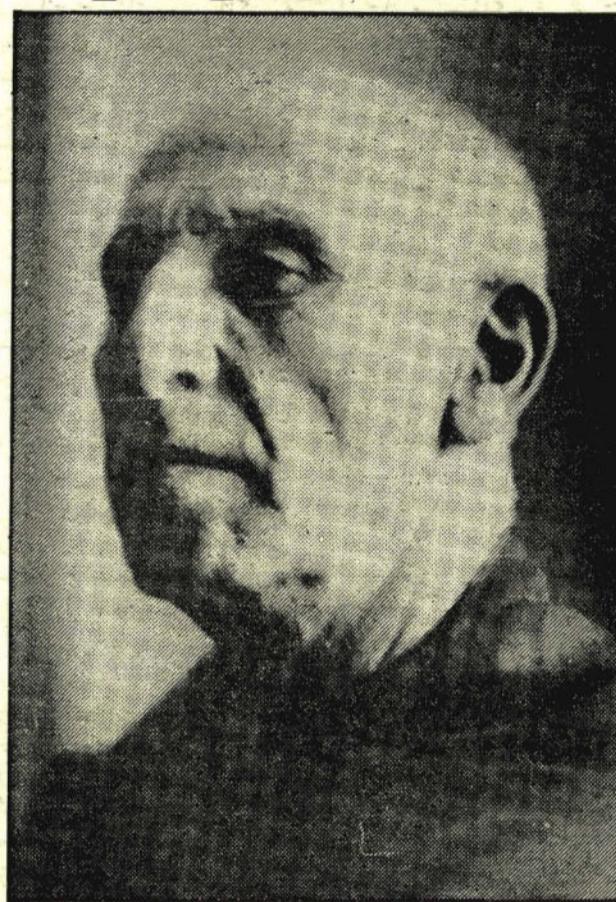
نشانه‌های سازشکاری

چاهی که امپریالیستها کنده‌اند

باید در انتظار ورود هیئت‌ها و شخصیت‌های دیگر بود و همه این آمد و رفها در ارتباط با جنگ ایران و عراق انجام می‌گیرد.
از دیدگاه ملت ایران، این دیدارها هشدار دهنده و نگران کننده است و همه آن هیئت‌ها و کسانی که میکوشند تا با آمدنند. فرون براین، در آینده نیز بقیه در صفحه دوم

هفته گذشته اولاف پالمه، نماینده ویژه سازمان ملل متعدد، سومین دور سفر خود به ایران و عراق را بیان رسانید.
از دیدگاه ملت ایران، این نمایندگان برگزیده از سوی کنفرانس اسلامی‌که بستان‌گی در طایف برگزار گردیده به ایران آمدند. فرون براین، در آینده نیز

یاد مصدق گرامی باد مودی که در سراسر زندگی پاسداره‌ستی ایران بود پیمان ما و فاست



دریغا تهی از تو ایران زمین

در تمامی آن سالها که نام مصدق خشم استبدادیان را با همه وحشیگریهای پی‌آمد آن برمی‌انگیخت، حزب ملت ایران صمیمانه در سنگ استوار مصدق گنجید و نام «صدق» بر سراسر زندگان وابستگان حزب پرتو افکند و در کنار همین آتش فروزان و در همین پایگاه، هنر با مردم و برای مردم زیستن، آموختند.
وابستگان حزب ملت ایران نه هر گز در ارادت خویش به بقیه در صفحه چهارم

سازش موقوف!! بر شرف ملی خط بطلان نکشید.

تنی چند از سران کشورهای اسلامی از ایران دیدار کردند و امید است که از این سفر خاطره‌های شایسته برگرفته باشند.
دیدار این بلند پایگان از ایران میتواند فرصتی پیدید آورد بر شناساندن بیشتر جدول ارزش‌های انقلاب که بخودی خود سودمند می‌باشد ولی چنین دیداری در چنین هنگامی نگرانی‌های بسیار پدید آورده است.

این بلند پایگان برای گفتگو درباره جنگ ایران و عراق آمده‌اند تا آتش سب برقرار کنند و برای حل اختلافها راه حل صلح آمیز بجوینند.
وظیفه‌ای که این دولتمردان نام آور بر خویشن نهاده‌اند از لحاظ مردم خودشان یک حركت سیاسی میباشد ولی از لحاظ ایران انقلابی مسئله بودن یا نبودن است.

این مردان بلند پایه در راستای سودخود، حق دارند که مهارت‌های سیاسی را به کار گیرند و برای خاموش داشتن آتش جنگ تلاش کنند ولی از لحاظ ایران موضع‌های دیگر طرح است.
از لحاظ ایران بخششان از کشور که به اشغال دشمن درآمده و ویران شده طرح است، کاشانه و کارگاه بیش از یک میلیون و نیم مردمی که آواره شده‌اند طرح است، و از همه بالاتر شرف ملی که دشمنی فرموده باشد آن تاخت آورده طرح است. گفتگو درباره پایان دادن به جنگ در وضع کنونی برای دولتمردان ایران، یک تلاش سیاسی نیست بلکه طشتی از تعفن و لجن است که بر سروروی خود میریزند. دشمنی که به قهر بر ایران زمین تاخته است، باید با قدرت سرکوب شود، همین و همین گفتگو هم ندارد.

چه گفتگویی می‌خواهند بکنند، چه میخواهند بگویند و چه میخواهند بشنوند، چه ابهام و پیچیدگی در همه این ماجرا وجود دارد که باید با پیام دادن و پیام گرفتن، روشن گردد.

چه کسی نمی‌داند که مشتی مزدور فرو مایه بی هیچ آگاهی قبلی بر ایران زمین تاخت آورده‌اند، چه کسی، نمی‌داند که این بدکاران، شهر و روستای ایران را به خون گشیده‌اند و چه کسی نمی‌داند که این جنگ کشیده را دولت استعمار ساخته عراق به پیریوی از خواست امپریالیستها آغاز کرده است.

هر آنچه در این جنگ از پیش تدارک شده، برای ایران انقلابی گذشته، انقدر اشکار است که هیچ کس در شناخت آن تردید ندارد و اگر دولتمردان به بقیه در صفحه دوم

خود کامگی کشور را به وابستگی می‌کشند دیسیسه بر ضد حزبها و سازمانهای سیاسی را بس کنید

اصل نهم آمده است:
«در جمهوری اسلامی ایران، آزادی واستقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است

نهضت‌های ایرانی و نیز در انقلاب اسلامی ملت ایران این دو اصل با

یکدیگر آمیخته و تجلی آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دیده می‌شود. چنانچه در

بقیه در صفحه سوم

جامعه‌ی بدون استقلال، آنچه بنام آزادی تبلیغ می‌شود، هرج و مر جو بند و باری است و آنها ساخت اجتماعی را به از هم گستگی می‌کشند.

بی‌جهت نیست در تمام نهضت‌های ایرانی و نیز در انقلاب اسلامی ملت ایران یکدیگر آمیخته و تجلی آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دیده می‌شود. چنانچه در

بقیه در صفحه سوم

با اینکه در تحلیل خواسته‌ی بنیادی انقلاب اسلامی ملت ایران از اصل استقلال بگونه نیاز دچار تازل می‌گردد، بهمان اندازه که در

ود هیچ زمینه‌ای سازندگی ظهور نمی‌کند و اصل وابستگی دچار تازل می‌گردد، بهمان اندازه که در

با اینکه در تحلیل خواسته‌ی بنیادی انقلاب اسلامی ملت ایران از اصل استقلال بگونه نیاز دچار تازل می‌گردد، بهمان اندازه که در

استقلال بدون آزادی نه قابل تحقیق است و نه در کوتاه مدت، می‌توان در شهر وندان جذبه ملی ایجاد نماید. چه مردم یک کشور خود را در نوعی زندان باز می‌یابند که در آن، استعدادها و ابتکارها و فضیلتها و همه ارزش‌های انسانی به تباہی کشیده می‌شود.

در جامعه‌ی استبداد زده، انسان احسان تعلق ندارد و هیجان لازم را بروز نمی‌دهد.

در شرایطی که حادثه آفرینی‌های انحصار گران رویه می‌زند و پریشان ساخته و باور ایشان را به استقرار حاکمیت ملی کاهش داده و جامعه را در حالتی آشته از هراس و نگرانی فرو برده است.

در حالیکه بی‌حرمتی به قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران، بگونه‌ی هجوم به نماینده ملت، ساخت سیاسی کشور را آسیب رسانده است.

برایاور مردم جان در راه استقرار جدول ارزش‌های انقلاب نهاده، این اندیشه می‌شیند که دسته‌ای ای در کار است تا آشفتگی‌ها و تشنجهای تازه‌ای را پدید آورد و در راستای این رابطه به هدفهای خاص خود دست یابد!!

امروز چماداری بگونه میراث شوم نظام آریامهری، بقیه در صفحه ششم

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

از خبرهای هفته

در جهان ملت‌ها

نکته‌ها

فراخوان حزب ملت ایران برای چهاردهم اسفند

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

نیز وجود آنها را انکار میکند. اما گذشته از وجود نشانه هایی از احتمال سازش، تجربه تسلیخ رهاسازی می دوند دادرسی جاسوسان آمریکایی مانع از آنست که بتوان به چنین انکارهایی دل خوش کرد و راه سازش در واقع تسیلم را بسته دانست. رهاسازی جاسوسان آمریکایی نشان داد چگونه آنکه در حرف هرگونه سازش را در میکردند و حتی مخالفان سیاسی خود را بدان متهم مینمودند، دست آخر، به سازش ننگینی، تن در دادند.

در این میان، بار گناه گروهی که با سکوت خویش تماشگر این روند بودند و تنها پس از پایان کار، آنهم برای کوبیدن رقیب لب به اعتراض گشودند، سبکتر از گروه نخست نیست.

ایستادگی قاطعانه و پایداری استوار در برابر دیدگاه های و پیشنهادهای اسارت آور دلالان بین المللی! اینست آن سیاستی که کار بدستان رژیم جمهوری اسلامی می بود که آیا رهبران رژیمهای اسلامی این پرسشها مطرح کردند که آیا رهبران رژیمهای اسلامی می بودند و دشمنان انقلاب ایران و پیشگام این اتفاق را باید اینجا این انتقام را اینجا بپردازند؟

نیز ادعای می شود که هدف ایران از گفتگو با این شخصیتها و هیئت ها «بررسی جنایات جنگی عراق و ایران» می باشد. اما برای ملت ایران این پرسشها مطرح نمایندگان کنفرانس کشورهای اسلامی در طایف- کنفرانسی که ایران آن را تحریم کرده بود- بخوبی نشانگر رونق بازار هوداران راه حل سیاسی است. دیده می شود، نه تنها کمیت این دشمنان ملت ایران، در روند توطئه های خویش ارتضی خود بکار عراق را چون پیشنهاد می شود گرفتند و اینکه میانجیگران و سازشکاران می روند تا دستکش براین پنجه خوزیر بپوشانند.

بررسی روند جنگ ایران و عراق، در دو بعد نظامی و سیاسی، میتواند بسیار روشگرانه و در عین حال نگرانی آور باشد. در حالی که روزهای پیاپی می گذرد، گزارش های نظامی بیانگر تثبیت جمیعه است. دیگر کمتر خبری پیرامون درگونی وضع آنها بگوش میرسد. طرح جهانی که زمانی مستونهای زیادی از روز نامه ها را پیرامون سه مرحله ای بودن جنگ به خود اختصاص میداد، گویا اینکه فراموشی سپرده شده است

در چنین شرایطی، خطر سازش را از سوی کسانی که تنها و تنها در پی بسته اوردن نگهداشت قدرت می باشند، باشیست بسیار جدی گرفت. بدون تردید در منطق کسانی که قدرت شخصی و گروهی، چکیده های همه آرزوها و آرمانهای آنهاست برای سازش نیز توجه در خوری پیدا می شود که چه بسا اکنون که بنظر میرسد، سرانجام گردابی از دشواری های سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی کشانیده اند، در فریضه درماندگی خود تن به تسیلم خفت آوری بسپارند!! آزمونهای گذشته نزدیک این درس را به وفاداران به جدول ارزش های انقلاب آموخت که بهج روی شیوه ای از هنگین نگردند بلکه با همه هوش خود روند رویدادها را زیر نظر بگیرند و به هنگام، قاطعانه و با همه نیرو به اعتراض و افساگری بپردازنند.

استقلال
سازمان انتشاراتی

۲

مینه دوستی در ایران

دکتر ناصر تکمیل همایون
انتشار یافت

نشانه های سازش کاری

سفرهای پیاپی کار بدستان و عراق را در وضع کنونی پیاپی رسانند، دشمن تلقی می شوند. در شرایطی که نزدیک به بیست هزار کیلومتر از خاک ایران در تصرف نیروهای تجاوز گر حکومت نزد گرای بعث عراق است و بیش از یک میلیون ایرانی بخطاطر جنگ از شهر و روستای خود آواره گشته اند، تلاش در جهت پایان دادن به درگیری نظامی میان ایران و عراق بی ایکه ریشه های آن شاخته آید و آغاز گر این تجاوز محکوم گردد و بجای خود نشانه شود، جز خدمت به دشمنان انقلاب ایران و کمک به امپریالیستها و واپستانشان نمی باشد!!

شیوه کار بدستانی که تنور چنین میانجیگرانی را گرم نگاه میدارند، نیز چیزی جز سازشکاری نیست، گرچه اکنون آنرا پوشیده می دارند و در صورت ادامه این روند، بی شک، کارشان به خیانت آشکار خواهد انجامید. دشمنان ملت ایران، در روند توطئه های خویش ارتضی خود بکار عراق را چون پیشنهاد می شود گرفتند و اینکه میانجیگران و سازشکاران می روند تا دستکش براین پنجه خوزیر بپوشانند.

بررسی روند جنگ ایران و عراق، در دو بعد نظامی و سیاسی، میتواند بسیار روشگرانه و در عین حال نگرانی آور باشد. در حالی که روزهای پیاپی می گذرد، گزارش های نظامی بیانگر تثبیت جمیعه است. دیگر کمتر خبری پیرامون درگونی وضع آنها بگوش میرسد. طرح جهانی که زمانی مستونهای زیادی از روز نامه ها را پیرامون سه مرحله ای بودن جنگ به خود اختصاص میداد، گویا اینکه فراموشی سپرده شده است

«نیز میهنه» ماندن چیز دیگر، هیاندازه که تجاوز گر برداشت

دو کار باید در کنار یکدیگر و هم آهنگ انجام گیرد یکی شکست دادن دشمن در صحنه های تبلیغاتی و دیگر سرکوب کردن دشمن در جنگ ایران و ایران

طبق در صورتی بجاجاست که دشمن را از سرزمینهای خارجی- نمایندگان کنفرانس اسلامی چهار رئیس چمهور، یک نخست وزیر، رئیس سازمان از ادبی خوش فلسطین و رئیس کنفرانس اسلامی شرکت دارند.

در میان این شخصیتها بوزیر بسنگداد- زنال بولنت اوسو، نخست وزیر ترکیه، بارز است.

دیگر چهره برجسته این گروه، یاسر عرفات، رئیس ایلان و ایلان روزگاره و در عین حال

پیرامون درگونی وضع آنها بگوش میرسد. طرح جهانی که زمانی مستونهای زیادی از روز نامه ها را پیرامون سه مرحله ای بودن جنگ به خود اختصاص میداد، گویا اینکه فراموشی سپرده شده است

دولتمردان که ماهها نویسید پیرامون داده اند و از فردا شروع داشته و تووانی بسته اوردن پیروزی را نشان داده باشد.

دولتمردان که ماهها نویسید پیرامون داده اند و از فردا ریختن رانده اند، چگونه خواهند توانست یکباره برهمه ای اینها پرده بر کشند و به دستیاری میانجی های سیاسی در برابر تجاوز عراق به خواهش و جانه زدن بشینند!

ملت ایران در «نیز میهنه» دلیریها کرده و قربانیها داده و باز هم آماده است تاهر کجا که لازم باشد، رزم و ایثار را دنبال کند.

دولتمردان باید از پایداری و کوشندگی مردم، اطمینان داشته باشند و با تکمیلهای پایانی عامل اصلی پیروزی تابیرون راندن و ایپسین سریاز دشمن از ایران و واژگون کردن دولت نزد گرای بعث عراق، جنگ را پیگیرند.

انقلاب ایران شکوه و بزرگی خود را در کار آمدی نظام سیاسی و اداری کشور باید جستجو کند، هرگونه گفتگو برای پایان دادن به جنگ درجه ای از هنر و توانی داشته باشد.

نهیب میزند که در برابر دشمن فرمایه و فرمانده بی هیچ تردید باید به هجوم برداخت، هجومی برای تاراندن و به سرید، انداختن آن.

این وظیفه تاریخی دولتمردان و سامان دهندگان جنگ است که اگر آنرا از پایاد بپرند و بخطاطر چند روزی دست اند رکار داشتن و از جاه و جلال بر خود را بسوند برشوف ملی خط بطلان بکشند، همه احترام اجتماعی و تاریخی خود را برایاد بپیدهند و سرانجام از طوفان خشم ملت هم رهانی نخواهند یافت.

سازش موقوف!!

میانجی برخاسته، آنچه را بر میهن مارفته است، بسوی زبان نمی آورند، نه از آن روست که از حقیقت جریان بی خبرند، چه بسا از آن رو باشد که در داد و ستد های سیاست جهانی صلاح خویش را چنان می بینند تا این رخدادهای ناگوار را نادیده انگارند.

پس به تصور اینکه حقیقت پوشیده بخوبی آشکار می باشد نباید بر هر داد.

بی اثر کردن آوازه گریهای دشمن در جهان ملتها کاری است درست و باید هرچه بلندتر جنایت های صدام حسین و مزدورانش را در چهار گوش گیتی فریاد دارد و حاصل آن آگاهانه خود را به ناگاهی میزند، فریاد حق طلبانه اینان باید رو به گوش های ملت ها داشته باشد.

سازمانهای تبلیغاتی کشور باید ملت های جهان را در پیوند با زرم جانه و آرمانخواهانه مردم ایران قرار دهند و پرده های جنایت های تجاوز گران را بنمایانند.

باید هیچ آزاده ای در جهان نمایند مگر آنکه پلیدیهای حکومت نزد گرای بعث عراق را شناخته باشد، باید معدنجیان و نزو تلا و کشتکاران سومالی و کرجی رانهای سنگاپور از همه درند گیهای صدام حسین آگاه گردند.

باید جنان چهره نفرت اور تجاوز گران را تصویر کرد که هر عراقی از داشتن چنین حکومتی شرمنده شود و باید عرق شرم بر پیشانی همه پشتیبانان صدام حسین نشاند.

اینها وظیفه وزارت ارشاد است، وظیفه این وزارت بسر خفغان مهر تائید نمایند، و روزنامه های آرمانخواه را تهدید و سرکوب کردن نیست، وظیفه این وزارت هجوم طوفان زا به آورد گاههای تبلیغاتی جهان است.

این وزارت باید سیل عکس و فیلم و اسلامید و پوستر و شعر و داستان در زمینه های وحشیگری تجاوز گران فراهم کند و بر شهر و رستای جهان عرضه دارد.

این وزارت باید به جای تارومار کردن کارمندان خود، نیز روی ایلان را بسیج کند تا از آمدن رهبران چند کشور به ایران پیغمبر گیرند و پلیدیهای دشمن را به مردم عادی این کشورها آگاهی دهند.

ولی میچکدام از این کارها، درمان درد نیست درمان دراستواری اراده دولتمردان و در پیگیری جنگ تا پیروزی نهایی نهفته است.

بی آبروی ایلان دشمن تجاوز گر و از هر گوشی از جهان فریاد لعنت بر آن برانگیختن، تنها بخش کوچکی از نبرد است.

بسخ اصلی نبرد، در دشتهای خوزستان و کوه هسارت های ایلام و کرمانشاهان و کردستان که باید چنان کوشید و چنان گوبید تا هیچ نشانی از ارتش بیگانه در هیچ کجا این سرزمین های به خون تپیده به جای نمایند.

پیش از گریز اند دشمن و واژگون کردن دولت نزد گرای بعث عراق به کیفر رساندن صدام حسین تبیکار، هرگونه گفتگو با هر کس و در هر جا و در هر حال، ناپسند است.

ایرانی هیچ پیشنهادی برای پایان دادن به جنگ ندارد، میجنگد و باید هم بجنگد و باید تجاوز گر را غرق در خون از میهن خود برواند.

به کار گرفتن سهارهای سیاسی تا آن اندازه رو است که دشمن را تنها کند و به ضعف و در ماندگی بکشاند ولی تصفیه حساب با آن جز از راه جنگ ممکن نیست.

میانجی های پاسی، به ایران باید از انقلاب اسلامی ملت ایران، به آینده که در انتظار مردم بلا کشیده این سرزمین است نمی اندیشنند آنها به خواسته ها و سودهای خود و کشور خود می اندیشنند، چنین میانجی های نباید پذیرفته شوند.

آمد و رفت با شخصیت های سیاسی دیگر کشورها برای آنکه عملکرد های زشت صدام حسین را گواهی دهند، کاری است روا و بیش از این هر نشست و پر خاست و هر گفتگو کاری است ناروا و به سختی هم ناروا.

دولتمردان دهنده دست بالا را بگیرید و چنین پسندارید که این کوششها سودمند افتاده و صدام حسین از راههای سیاسی به کنار کشیدن از سرزمین های اشغالی ناگزیر شده است.

در چنین حالی باز هم زیان برخودی و سود بایگانه می باشد زیرا ناتوانی رزمی ایران و توانمندی ارتش دشمن پذیرفته شده است و اوایل پس بر کشور خواهد گذشت. آیا دولتمردان نمی داشند، ناتوانی هر کشور تاچه اند از اشتهر سایی سری نایابی دارند؟ جهانخواران را بر می انگیزد آنهم کشوری که بستار گی با بالقلابی خوین سلطه ابر قدرها را برآوردانداخته باشد؟

در نظم کنونی که بر جهان ملتها آراسته اند، هر کشوری

که بخواهد به استقلال زندگی کند باید باید روزگاری های را برآورده اند.

راقب رستگاران سازد و توانها در جنین صورتی از شرودشمن در راهان خواهد بود.

رسوا ساختن دشمن یک چیز است و ناتوان در عرصه

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

صفحه سوم

آرام، کار بدستان به بسی مقداری خود آگاهی میباشد و چون «حقایقیت» خود را در «جامعه خودی» نمیباشد، بنویفته پایگاههای برون مرزی را باز میبینند و با این گزینش (گزیدن یا گزیده شدن) وابستگی آغاز جامعه استبداد زده و بنی حرمت سوق میدهد.

بدنبال انقلاب و پیروزی آن، گروهی از کاربدستان، چه آنان که در انقلاب بودند و چه آنان که پس از انقلاب در رده «پیدخلون فی دین الله وجها» قرار داشتند، با استفاده از احساسات دینی مردم که اسلام را بگوئه آرمان زلایخش پذیرفت بودند و سودجویی از روحانی بودن خود «هسته های انحصار گری را که پیش از انقلاب نیز نشانه هایی از آن بچشم می خورد، بارور ساختند و با تبدیل آن به حزب فراگیر به هدف تسخیر گرانه خود شتاب پیشتری دادند. این حزب که دارای نام نظام حکومتی میباشد، با اینکه سازندگی بر دوام قرار گیرد.

انقلاب ایران بر عکس بسیاری از انقلابها به علت از دست رفتن همه «حقایقیت» های سیاسی و فرهنگی نظام گذشته و برخورداری از اقبال مردمی، «ضد انقلاب» نیرومند درون جامعه ای نداشت تا به درگیری سازمان یافته با انقلاب برخیزد. حرکتهای ضد انقلاب در ایران، در رابطه با کانون های قدرت برون جامعه بوجود آمد و این کانون ها تنها هدفشان نایاب کردند از شهای انقلاب است به رویله و توسط هر نیرو و هر کس.

ایا از انحصار گران، آنانکه همه قوای کشور را با قدرت زیر سلطه گرفته اند و آزادی را از ملت انقلابی سلب کرده اند و زمینه های شوم وابستگی به بیگانگان را فراهم آورده اند، کاری جز آنچه ضد انقلاب وابسته نتوانست انجام دهد بمرحله عمل می آورند؟

پاسخ به این پرسش را جامعه بیان میدارد، از هم پاشیدگیها، نابسامانی ها، ستمها، ویرانی ها، گرسنگی ها، بر هنگی ها، بیکاریها و بسیاری ها و بی ارزشی ها و صدھا آفت دیگر. نشانگر سلطه اختناق جاهلانگی است که پس از انقلاب سایه شومش را در سرتاسر ایران گسترشده است و هرچه زمان میگذرد سنگینی و وابستگی آن آشکارتر می شود.

مردم میدانند «استبداد مکتبی»، دستگاهی نیست که خود به رغبت کنار برود و کشور را بدست خیراندیشان بسیار. باید پیغامست و جفند شوم را از ویرانی میهند راند.

اکنون که چماق داری تقبیح شده است، باید مرکزهای تمام حزبه و سازمانهای سیاسی و هم دفترهای روزنامه ها و نشریه ها که مورد حمله این ویرانگران «مکتبی» قرار گرفته اند بی درنگ تخلیه و باز پس داده شود.

با آغاز واکنش ها، هر چند

خود کامگی کشور را به وابستگی می کشاند

در گیلان و دفتر جامادی تهران و دفتر سازمان جنبش مسلمانان مبارز و یورش های موسومی به چند سازمان کوچک دیگر را نیز در این زمرة میتوان داشتند. در یک ماه اخیر حمله بهوابستگان حزب و نجربان ایران که مدت پیش دفتر روزنامه اشغال درآمده بود و دستگیری و بزندان انداختن، بعد دیگری از تجاوزها و قانون شکنی ها را آشکار ساخت چرا چنان شده است؟ چرا ازادی های فردی و اجتماعی در میهن انقلاب ماتا این اندازه مورد تجاوز و بی حرمتی قرار گرفته شده است؟

در گشوارهای توالتیاریستی از هر نوع. از آغاز بیان میشود که یک حزب ویک نوع اندیشه و یک شکل روزنامه و نشریه میتواند وجود داشته باشد، شاه خل غش شده نیز در سالهای پایانی سلطنت تبهکارانه خود بطور دقیق با برپا کردن حزب و ستایخیز و اتحادی حزبها دیگر در پیوند قرار دادن هم روزنامه های سیاسی سازمان امنیت و سرمه نیست کردن همه نشریه ها و بر قوه و مجله به روای تاریک اندیشان قرون وسطائی به آتش کشیده و علاوه بر زبانهای مادی و حرمت فکر و قلم مورد تجاوز قرار گرفت. دادن هم روزنامه های بسیاری از اینها استراتا سمع و هر گونه تجسس منوع است مگر بحکم قانون (اصل بند ۸) بیست و پنجم) «هیچکس را نمی توان بصرف داشت عقیده های مورد تعریف و سوم) «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشا مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها استراتا سمع و هر گونه تجسس منوع است مگر بحکم قانون (اصل بند ۷) اساسی روشن بیان گرده است:

- «تفتیش عقاید منوع است با اینکه انقلاب اسلامی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، ظرفیت ارزشی و قانونی موجودیت اندیشه های گوناگون را داشت، اما طی دو سال گذشته سیاری از دفترهای روزنامه های کشور مورد حمله قرار گرفتند، کتاب فروشی های بسیاری از آنها استراتا سمع و هر گونه تجسس منوع است مگر بحکم قانون (اصل بند ۸) بیست و پنجم) «هیچکس را نمی توان از شر کت در آنها (احزاب و جمیعتها و انجمن های سیاسی و صنفی) منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» (اصل بیست و ششم)

اشکار شد که استقلال و آزادی از هم جدانا شدنی هستند و آسیب به هر یک از آنها، دیگر را نیز از کارای خارج میسازد.

یادآوری شد که ملت ایران خود با روشن بینی، عزم جزم کرد و به اصطلاح «نمایندگان» خود را تعین نمود تا قانون اساسی جمهوری اسلامی عنوان شده از سوی مردم ایران را تدوین نمایند.

به خاطر آورده شد که قانون اساسی تدوین شده «نمایندگان» جامعه نیز به تصویب ملت رسیده و بالاخره، نشان داده شد که قانون اساسی برای ملت در زمینه های گوناگون بطور مستقیم و غیر مستقیم، حقوق فراوان قائل است که داشتن بیان میگردند، مسجد های نیز از اختیار مردم خارج گردید و ایراد و عظو و خطابه در آن جا غیر ممکن شد و فقط یک گروه را از صحفه فعالیت های کنار گشیدند و گروهی با کار برد قوه که می خواهد اجتماع کند و راهی میانی و فریاد بکشد حزبها و انجمن های که پس از انقلاب تشکیل شدند، برخی افراد دولت را از صحفه فعالیت های کنار گشیدند و گروهی با کار برد قوه که کار نهاده شدند.

سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیش از اکثریت و اقلیت شدن حزب جمهوری خلق مسلمان ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران حزب ایران جبهه ملی ایران حزب توده ایران و چند گروه دیگر یکی پس از دیگری با تصرف مرکزهای آنان در تهران و شهرستانها مورد تجاوز ناشایست قرار گرفته و در عمل، فعالیت های سیاسی و اشکار «ثانوی» آنها در مجرای «زیر زمینی» گام نهاد.

آنچه که در ایران میگذرد تعلق به نوع سوم حکومت ها دارد، یعنی در قانون اساسی کشور، همه ارزش های انسانی و سیاسی و ضوابط و آزادی های فردی و اجتماعی پیش بینی شده که عمل کردن به آنها میتواند جامعه های بزرخ دار از استقلال با نظام آزادی خواهانه بوجود آورده امداد عمل

مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، تفصیل آنرا قانون معین میکند.

(اصل بیست و چهارم)

- احزاب، جمیعت ها،

انجمن های سیاسی و صنفی و

دیگری شناخته شده از آنند،

مشروط باینکه اصول استقلال،

آزادی، وحدت ملی، موازن

اسلامی و اساس جمهوری

اسلامی را نفس نکند.

(اصل بیست و ششم)

- «تشکیل اجتماعات و

راه پیمائی ها، بدون حمل سلاح،

بشر ط آنکه مخل به مبانی اسلام

نباید آزاد است» (اصل بیست و هفتم)

برای اینکه هیئت دولت (ماموران

اجرامی منتخب مردم)، گمان

نیزند که مز مسئولیت شان به

اندازه ای است که می توانند

حدودیت هایی در حقوق سه گانه

یادشده بوجود آورند، قانون

اساسی روشن بیان گرده است:

- «تفتیش عقاید منوع است

با اینکه انقلاب اسلامی

بین این قانون اساسی و اجتماعی

دانای حق و انسانی و اقتصادی

و «ملت» بگونه مجموعه واحد

فرهنگی و سیاسی در دست

دارنده سرو شوشت خود میباشد.

تعیین نظام حکومتی

(جمهوری اسلامی ایران) و

تصویب قانون اساسی، برای

نخستین بار در تاریخ، توسط

ملت انجام گردید و اصل ششم

همان قانون بیان میدارد «در

جمهوری اسلامی ایران، امور

کشور باید به اتکاء آراء عمومی

اداره شود، از راه انتخابات:

انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان

مجلس شورای ملی، اعضای

شورها و مانند اینها باز راه همه

پرسی در موردهایی که در اصول

دیگر این قانون تعین میگردد

برای اینکه مردم در اداره امور

کشور، شرکت نمایندگان، روشنگری

و شناخت لازم دارند. این امر که

در دست خود مردم است از دو

طريق انجام میباشد:

از طريق دولت که برگزیده

ملت است (غیر مستقيم) با:

«ایجاد محیط مساعد برای

رشد فضائل اخلاقی و....»

«بلا بردن سطح آگاهی های

عمومی در همه زمینه های با

استفاده صحیح از مطبوعات

ورسانه های گروهی وسائل

دیگر»

«آموزش و پرورش و....»

«تقویت روح بررسی و تتبیغ

وابتكار و....»

«تأمین خود کفایی در علوم

وفنون و....»

«ایجاد امنیت قضائی عادله

برای همه و....»

«توسعه و تحکیم برادری

اسلامی و....»

(بندهای اصل سوم)

از طريق غیر دولتی، توسط

خود مردم (مستقيم) با:

- ایجاد حزب و گروه و کتاب

- انجمن های گوناگون

- تشکیل گرد هم آگاهی ها و

راه بیانی های

در هر سه مورد قانون اساسی

که توسط مردم به تصویب رسید،

این حقوق را به مردم داده است.

«نشریات و مطبوعات دریابان

مطالب آزادند مگر آنکه مخل به

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیما

زیر نظر شورای نویسندگان

خیابان سپهبد قرنی خیابان سپهند شماره ۲۶۱ طبقه سوم تلفن ۰۹۰۲۱۷

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳

صندوق پستی ۱۱۵۷

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

سه شنبه دوازدهم اسفند ماه ۱۳۵۹

اعتقاد من ..

نوشتاری از داریوش فروهر، در چهاردهم اسفند ۱۳۵۷
در فرودست کوهپایه هایش به
چشم نمی خورد.

صدق، صخره غول پیکری
بود که تکیه برخاک وطن
داشت وزیر بنا استواری بود
برای هر نهضتی که پس از او
پیدید آمد.

بسیاری از جنبش های بزرگ
استقلال طلبانه ملت های
زیر سلطه استعمار، و هم جنبش
بیکران کنونی ما، برگردان های
پیر مرد جوان اندیشی چون او
بی ریزی شده است.

صدق، سنگ فرسایش
نایاب بینای تاریخ است و
استوارترین حلقه از زنجیر
بیکارهای رهابی بخش ملت های
جهان.

صدق، یک خاطره بی مرز
است برای ملتی که همیشه،
بخش بزرگی از نیروی درهم
کوبنده و سازنده خویش را از
حاطرات تاریخی و عاطفی خود
کسب می کند.

صدق، چنان بر استخوان
استعمار کوید که آن را از چند
سو شکست و شکافت. پس از او،
استعمار، هرگز نتوانست برار کان
بند خود را خویش، تکیه کند و
نتوانست فخرمندانه نفره برآورد
که برهمه چیز مسلط است و
سلط خواهد بود.

یکی می بایست بساید که
بر حصارهای بلند استمار بکوید
و شکافی در آن پیدید آورد. از آن

شکاف به درون نگریستن و این
واقعیت را دیدن که فقط دیوار
است و نه چیزی بیشتر، کاری
بود که پس از صدق، مقدور و
ممکن می نمود.

صدق، همان کسی بود که
بر قلعه جادوی استعمار کوید و
آن شکاف بازیک را در ترن حصار
حسین پیدید آورد.

صدق را، سالها زمان باید
تا آنکه که بود بشناسیم و
در باییم.

ما هنوز مصدق را از پس پرده
می بینیم، و این البته، اندوه
بزرگی برای ماست.

او یک تجربه نو، یک حرکت
نو و یک قربانی تو در پیشگاه
تاریخ بود.

ما هنوز مصدق را از پس پرده
می بینیم، و این البته، اندوه
بزرگی برای ماست.

او یک تجربه نو، یک حرکت
نو و یک قربانی تو در پیشگاه
تاریخ بود.

در یازدهمین سالگرد در گذشت پیشوای بزرگ نهضت ملی
ایران، در شرایطی که از سویی موج ناراضی و خشم مردم از
دستگاه استبداد وابسته به بیگانه رو به فزوئی میرفت و از سوی
دیگر پاسداران ستم هر روز به توطئه های تازه ای بسرا
سرکوب نیروهای بیکارگر دست می زدند تا از گسترش
حرکتهای استقلال طلبانه و آزادی خواهانی مردم جلوگیری
نمایند که بمبارزی و بورش جماداران و کشتارهای جمعی
از شگردهای آنان پیشمار میرفت «آنکه بگونه راهیان و فادر
صدق تمامی سالهای نکتی بار خفچان را بر مزارش حضور
یافتند، آن سال تا مبارزه که سبب آسیب برسانی به مزار پیشوا
گردد، از رفتنه به آن «زیارتگه رندان» خودداری کرددند و در
ساواک گردآگرد آنرا در محاصره داشتند.

خبرنامه که از دستی به دستی میرسید و بر تمامی
خانمهای مبارزان راه یافته بود در شماره ویژه چهاردهم
اسفند. یکهزار و سیصد و پنجاه و شش نوشتاری داشت این چنین:

صدق ... «بازگه داد»

یازده سال پیش دکتر صدق، بزرگ پیشوای نهضت ملی
ایران، الهام دهنده جنبش های رهابی بخش آسیا و آفریقا،
قهرمان مبارزات ضد استعماری و استبدادی در نخستین
ساعات بامداد روز چهاردهم اسفند ماه برای همیشه چشم از
زندگی فرو بست و مرگ نیز همچنانکه زندگیش، بارور و
سرشار از پیامهای مقاومت و تداوم بود.

سی سال از زندگی تاریخ آفرین سردار پیر، طی چند دوره
تبعد در دهکده کوچک و قلعه نیم ویران و دور افتاده احمد
آباد زیر کنترل شبانه روزی پلیسی، در حالیکه هم سخنی جز
کود کان و اهالی احمد آباد نداشت گذشت.

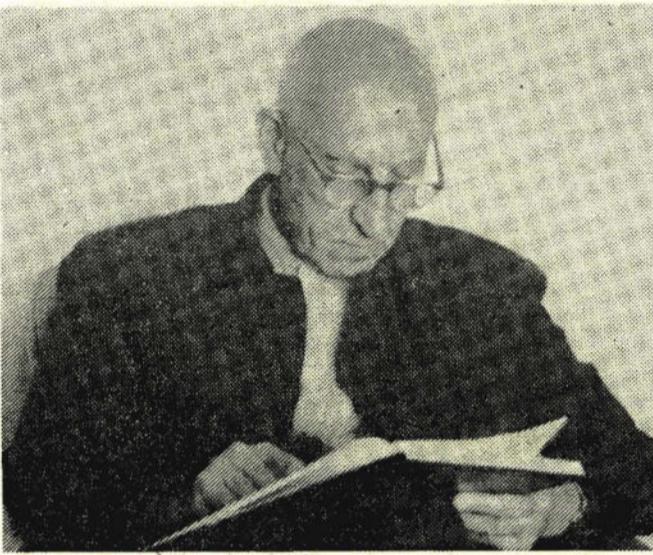
یاد مصدق گرامی باد

صدق تردید کردنده و نه لحظه ای این ارادت را انکار نمودند و
در تمام آن سالهای سیاه اختناق، پرجم مبارزه ای را که مصدق
پیشگام و رهبر آن بود از کف نهادند و به گواه برگ، برگ
بیست و پنج سال تاریخ سلطه ای استبداد وابسته بیگانه، حرف،
حروف رهنمودهای آن پیشاوا را بر باوری ناب نوشتن و به دیوار
زندانها و شکنجه گاهها آویختند.

این شیگردان کوچه های خطر، این پاسداران آرمان های
ملی، همواره یاد مصدق را گرامی داشتند و از نخستین روزهای
پیروزی انقلاب باشکوهی بیشتر.

امروز هم وابستگان حزب ملت ایران سربازان سپاه مصدق
هستند و نیازی به تجدید پیمان ندارند زیرا که در سراسر راه
نیامده و کهن بیامان آنها استوار مانده است.

نوشتارهای زیر، در گذشته ها به گونه درودی گرم به
پیشگاه مردی که در سراسر زندگی پاسدار هستی ایران بود
همیشه پیشاوا، بار دیگر جا بمشود.



را باز کنید» با دستهای مهندس
صدق، دلیل راه، دریادل،
معیار پاکی و آزادی و رقم زن

سیاست موازنه منفی، از جوانی
تامرگ در یک خط بی تزلزل و

بی انحراف بر علیه ستم و بیداد و
راستین وفادار راه مصدق که او

هم بسازگی از زندان آزاد شده
بود و با کمک بجهه های ده که

از هیچ کوششی درین نورزید.

خبر در گذشت اورا آنروز
روزنامه های اطلاعات و کهان در

دو جمله اعلام کردنده است
استبدادیان از نشر تسلیت نیز

جلوگیری بعمل آوردن.
نام مصدق چنان خشمی در

دل پاسداران فساد ایجاد کرد
بیست و پنجم سال بعد بجزم داشتن

عکسی از او و گفت کلامی
در بیان مبارزه زندان و شکنجه

انتظارمان را می کشید و من
خوب بیاد دارم که یک سال تمام

از دیدار همسرم بدیل آنکه
درختی در حیاط قزل قلعه

بمناسب سالروز مرگ پیشاوا
نشانده بود محروم شدم. خدارا

سیاسی که همه آن سال های سیاه
و نکبت بار بیان یافته و ثمر

زندانها، مقاومت ها شکنجه ها،
شهادت ها امروز هوای پاک

بهار آزادی است که میهن سوخته
مارا می برد به بوستانی از

گل های رنگارنگ بدل سازد.
دشتهایان را بارور گرداند و

خاطر اندوه زده مان را زلال
شادی بخشید و آسمان

ابر آلودمان را رنگین کمان
پیروزی پوشاند.

باشد که فردا بر شانه ایمان
تابوت همیشه پیشوای نمیرای

میهن، مصدق بزرگ را بنمیم و
راهی مزار شهدای سیام تیر

گردید و خاطر او را که در پیان
اورده شد.

دوازده سال پیش، در نخستین

ساعات بامداد چهاردهم
اسفندماه قهرمان مبارزات

ضد استعماری و ضد استبدادی
تاریخ از جهان فرو بست و مرگش

و ریا و انحصار طلبی پاک کنیم.
چنین باد.

سرشار از پیام «ایستادگی و
کوشش» بود.

پس از پیروزی انقلاب
بهنگام برگزاری دوازدهمین

سالگرد در گذشت مصدق
روزنامه ای که ادامه نشده

زیرا کسی خبرنامه بود، در
شماره ویژه چهاردهم اسفند

پیشوا چنین نوشته:

چهارده سال پیش، ساعت
شش و چهل و پنج دقیقه
بامداد روز چهاردهم اسفند

یکهزار و سیصد و پیشوا
مصدق بزرگ پیشوا نهضت

ملی ایران، الهام دهنده

جنپیش های رهائی بخش
ملت های زیر سلطه دیده از

جهان فرو بست و مرگش نیز
چونکه زندگی اش بارود و

آن روز، قامت بلند صبوری و پایمردی را بغض گرم اسفند بارید.

جاده اتو بان و سپس جاده
قزوین، در دروازه ای بیک وارد

جاده خاکی شدیم.

من در ذهنم آسود اتاق
شماره ۶۳ بیمارستان نجمیه و

نگاه بسیار پیشکش جوان و

پرستار مهربانی که تمامی شب را

از چاهی بدمید و از بلندی
فرمیریخت و سرانجام در بزرگ

رنگ و رورفه قلمه احمد آباد به

آن شب را تا سپیده بنماز
ایستادم و با تمامی دل سالها و

روزهای خوب با قیمانده عمرم را

روستاییان احمد آباد

از هرسودوان دوان به قلعه آمدند

پیر مردی که کلاه نمدی برس

و چهره ای مهربانی پر زیان

همت «هم میهان عزیزش» و

«فرزندان» مبارزش از پای در

آورد و او، آن دریادل، آن معیار

بایکی و آزادگی، آن شرف مطلق،

میهان را آزاد و سر بلند بار دیگر

نظرهای کند.

صبع گاهان با چشماني از غبار
غم به خون نشسته و جسمی درد

آلود و قلبی پر اندوه چونان

مرغی که انتظار تیر صیاد میکشد

بی تاب از بغض آسود «مریم» از

آنسوی سیم تلفن دنیا را بر سر

کوبد.

سیل اشک بودم که فرو

میبارید و هر چه بیشتر میگیریستم

جاده طولانی و تاریک جلوی

چشم گویی تا ابتدی کشیده

شده بود. ولی سرانجام به

بیمارستان رسیدم. کشاورز صدر

و باقی کاظمی که خدا رحمتش را

شده بود آخرین شستشوی بدن

مصدق را راهی از گوش زنگ

درآمد. کشیده شد که تازه از

زوزه کشان بهرسو می دوید تامگ

برگم و صیت مصدق داده نشد و

پس از مشورتی کوتاه فرزندان،

تصمیم به خاک سپاری در

تبیعدگاه گرفتند.

جسم بی جان مصدق، آن راه

گشا، آن دشمن شکن که هر اس

از شکوه خاطره ای دارد. روی

پله اشکریزان نشسته بودند.

صدای هق هق از گریزندان،

و فادر بیان و پیشوا هنوز در گ

آدمان ملت

از گاه حرب ملت ایران

اندوهگزاری

ناقوس شرق را بنوازید!
برغم این حصار سکوت آجین-
اعلام سوگواری سردار پیر را
از عرش سای قله یامیر:
برج بلند قامت باروی آسیا
آواز دردهید که سردار پیر شرق
آرندۀ صحیفة آزادی،
دارنه رسالت خود جوشی،
روبنده باساط جیاولگران غرب،
- دزدان بازگشته دریابی-
سردار پیربسته به زنجیر
جان سپرد.

ناقوس شرق را بنوازید!
ارابه ران مرگ نمی‌داند
اینک کدام حجم شرف را
تازان به سوی معبد تاریخ میرد!
ناقوس شرق را بنوازید!
ارابه ران مرگ!
ارابه ران درنگ کن

سردار شرق را
این سان دراین سکوت کجا می‌بری؟!
لختی درنگ کن
ارابه ران!

منگر به این خموش مسخر!
آنک
از دورتر سواحل «اروند»
تابیکران آن سوی «آمویه»
این آسیاست اینک!

در جامه سیاه
اینک فضای شرق
پراز صیحه و خروش.
ارابه ران

ارابه ران مرگ!
بگذار ابرتیره اسفند
این قامت بلند به زنجیر بسته را
با غض گرم خویش بشوید.
بگذار برف،
برف پرافشن

این حجم استواری و بکی را
با حلة سبید، کفن دوزد.
ناقوس شرق را بنوازید!
در مرگ هم
سردار پیر، زندگی از سر گرفته!
مرگش- چنانکه زندگی اش- بارور.
بیم حضور خاطره‌اش حتی
چندان که مویه کردن
براؤ مجاز نیست.

سردار پیراکنون
زنجدی را به خاک بدل کرد هست
سردار پیر، اما
«اندیشناک مانده به فرجام کارزار»
تاکی بلوغ همت یاران
زاورد گاه مژده پیروزیش دهد
اور ابه هرنیسم پیامیست
با چشم هرستاره نگاهیست
با یانگ هر درخش غریویست
ناقوس شرق را بنوازید!
در سوگت ای پدر!
این درد را به که گویم
دانسته نیست باکه توان گفت:
تسليت!

سردار پیر! تسليتم باد
با این غمان تازه به تازه
سردار پیر! تعزیتم باد!
نعمت میرزا زاده (م- آزم) مشهد - اسفند ۴۵

- هر چند تیره تار-
شمند هام که: آه
در سوگت ای درخت تناور
ای آیت خجسته در خویش زیست
بالیدن و شکفت
در خویش بارور شدن از خویش
در خاک خویش ریشه دواندن
ما را
حتی امان گریه ندادند

۱۳۴۵/۱۲/۱۵
محمد رضا شفیعی گذکنی (م)
سرشک

مرگ پیشوای

برفت آنکس که سalar وطن بود
وطن را زبده سalarی کهن بود
برفت آنکس که در دلهای مشتاق
گرامی، همچو روح اندر بدن بود
برفت آنکس که به پیشنهاد میهین
مراورا پیشنهاد بر تن کفن بود
درینا کز چمنزار وطن رفت
کسی کو با غبان این چمن بود
صدارت را برای مملکت خواست
وکالت را اساس انجمن بود
بنالید ای وطن خواهان بنالید
رخ از ماتم بخاک و خون بمالید
درینا کاین چنین مرد از جهان رفت
مهین سalar ملت از میان رفت
درینا کان مهین دستور اعظم
بدستور اجل زین خاکدان رفت
گرامی نخلبند باغ کشور
دل افکار و نزند از بوستان رفت
قیامش داستان شد اندر آفاق
درینه آن قهرمان داستان رفت
نهان در خاک شد مردی گرانقدر
که صیت شهرتش تاکه کشان رفت
چو رفت آن آهینین مرد تو اانا
زده لها تاب و از جانها توان رفت
بنالید ای وطن خواهان بنالید
رخ از ماتم بخاک و خون بمالید
کنون کشور بجز ماتمسرا نیست
که ملت را گرامی پیشوای نیست
کنون در ماتم فرزانه دستور
بخلوتگاه دلهای جز عز نیست
کنون در سوگ سalar که نهاد
جوانان را سرشور و نوا نیست
«صدق» رفت و گلزار وطن را
دگرسنیزی ولطف و صفا نیست
صدق رفت و بایگانه دشمن
چندیگر یلی رزم آشنا نیست
صدق رفت و دراین سرد بازار
دگر کالای تقوا را بهان نیست
هزاران دل شکست از مرگ وی لیک
شکست شیشه دل را صدا نیست
بنالید ای وطن خواهان بنالید
رخ از ماتم بخاک و خون بمالید
صدق رفتی و دلهای شکستی
زقید محنت ای مام رستی
بسوگ خویشن خرد و کلان را
دل از آندوه جانفرسای خستی
بجز عشق وطن هر رشته‌ی را
زیبیوند تعلق هاگستی
تورا بی حد و حصر آزار دادند
که تا اینحد چرا ایران پرستی
حریفات هنوز اندیشناکند
پس از مرگ هم انگارند هستی
کنون بر عرض اعلا دیده بگشای
کرین دونیایه دنیا دیده بستی
بنالید ای وطن خواهان بنالید
رخ از ماتم بخاک و خون بمالید
ادیب برومند

مرثیه درخت

بود
در سایه حصار تو پوسید
دیوار،
دیوار بیکرانی تنهایی تو-
یا
دیوار باستانی تردیدهای من
نگذاشت شاخهای تو دیگر
در خنده سبید بیاند
حتی،
نگذاشت قمیران پریشان
(این که مرگ یک گل نرس را
یک ماه پیشتر
آنسان گریستند)
در سوگ ساکت تو بنالند
گیرم،
بیرون از این حصار کسی نیست
گیرم در آن کرانه نگویند
کاین موج روشنایی مشرق
بر نخلهای تشنۀ صحراء، یمن عدن
یا آبهای ساحلی نیل
از بخشش کدام سپیده است
اما
کان شاخ و برگهای مقدس
- این سال و سالیان که شبی مرگواره
من از نگاه آینه

این «دلیل راه»، این دریا دل موج آفرین، این دشمن شکن،
این معیار پاکی و آزادگی، این رقم زن سیاست موافته منفی،
این پیشوای نهضت‌های ضد استعماری شرق در تمام دوران
زندگی در خط مستقیم و بی تزلزل استقلال و آزادی، بی گیر
و بی امان مبارزه کرد و از جوانی تا مرگ زیر دقیق ترین ذره
بین‌های تردید، کوچکترین ا亨رافق از این خط ترسیم شده در
زندگی ثمر بخش او نمی‌توان یافت.

هراس از شکوه خاطره‌اش سبب شد تا «دستگاه استبداد»
برخلاف سنت اسلامی حتی در آنجا که وصیت کرده بود، اجازه
خاک سپاری ندهد و تبعید گاهش آرامگاه او گردد.
آن روز قسمت بالتندش را با غض گرم
اسفندماه و اشک چند پیرو راستین و نالة کودکان پدر گم
کرده احمد آباد و زنه و مردان روتایی که چهره مهربانش را
هر صبح با تلخندی سلام می‌گفتند شستشو داد و در آن میان
گریه بی تابانه و نگهبان آمنیتی «چندین و چند ساله دکتر
صدق دیدنی ترین بود.

زندگی پیشوای پس از هشتاد و سه سال پایان یافت در
حالیکه نام بزرگ و سایه گسترش تا ایران بر جاست تا خورشید
می‌فروزد و تازندگی می‌جوشد بر تاریخ ایران خواهد
درخشید و حصار سکوتی که گردآگردش کشیده شده، کینه
تو زیبای ایلهانی که سیل یاوه و ناسزا را پسیوی او روان
می‌سازد، قلمهای بی‌میگان تهی مغزی که هر روز کاغذ پاره‌ای
را سیاه می‌کنند و ابرسان با انکار این خورشید، تیرگی را و
شب را دامن میزند، گود کانه عقدهای ناگشوده زندگی
گسته از مردم خود را باز می‌کنند و ایرانیان را که دیر گاهی
است سیمای بیگانه این پاسداران ظلمت و استبداد را
شناخته‌اند بیشتر به گرد هدفهای مقدس مصدق بزرگ جمع
می‌نمایند.

ستایشگران راستین این سرزمین، قائم مقامها، امیر کبیرها و
صدق‌ها را ارج می‌نهند و آرمانهای بزرگ و میهانی آنها را
دبیال می‌کنند.
اگر تلاش شبانروزی استعمار و استبداد سبب شده نسل
جوان این سرزمین زمانی چند نسبت به واقعیت‌های تاریخی
ناگاه بماند، سرانجام خورشید از پس ابر بیرون خواهد آمد و
به مراد خود همه تیرگیها را خواهد زدود.

چهره درخشان مردی را که دشمن (ایدن وزیر امور خارجه
وقت بریتانیایی کبیر!!) در باره او با دریافت خبر پیروزی
کودتا ریسی را بیست و هشت مرداد سال هزار و سیصد و سی
و دو و سقوط دولت ملی در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «پس
از سه سال نگرانی و تشویش نخستین شبی بود که خواب
آرامی داشتم» و دوست (راجندر را راساد) نخستین رئیس جمهور هند آزاد شده، او را «آغاز گر مبارزات
ضد استعماری شرق و درخشان ترین چهره معاصر» نام می‌نهد،
با هیچ دسیسه و نیرنگی نمیتوان پنهان داشت.
دیری است کوس رسوایی دروغ‌گردان زدن برای جهان زده
شده و دیگر حنای آنها را رنگی نمانده است.
ارج می‌نمیم بزرگ پیشوای در گذشته ملت را و گرامی
میداریم خاطره شکوهمندش را و می‌پیمائیم با ایمان و استوار
راهی را که ترسیم گر و رهبریم است.



آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

نکته‌ها

بقیه از صفحه هشتم

بخوانید و اینقدر نق نزنید!

یکی از بی‌آمدگاه خبر کاوش میزان پاداش نوروزی کارمندان نظریه‌های موافق و مخالفی است که هم اکنون در جامعه مطرح شده است.

در اینجا توجه خوانندگان به یکی از این نظریه‌ها که در صفحه نه روزنامه کیهان در تاریخ پنجم اسفندماه چاپ شده است جلب می‌گردد.

«هموطنان گرامی»، توزیع هر چه بیشتر پول توسط دولت، در این شرایط که سیستم سرمایه‌داری در ایران ابقاء شده است، تورمزا می‌باشد و سیاست اخیر دولت در مورد کاوش میزان پاداش نوروزی، ضد تورمی خواهد بود.

بنابراین در شرایط اقتصادی حاضر، مخالفت با این سیاست، مخالفت منافع اقتصادی کشور است.!!

حالا دیگر چه بهانه‌ای برای اعتراض و کمکاری و نق زدن دارید؟!

دادستان کل کشور راست می‌گوید؟

دادستان کل کشور در پاسخ به پرسش خبرنگار خبرگزاری پارس در باره استقرار امنیت قضائی می‌گوید:

«اگر بخواهیم امنیت قضائی در کشور مستقر شود، حکومت قانون جای هرج و مرج را بگیرد باید همه‌ی نهادها و ارگانها و... تلاش کنند ولی با وضع فعلی ما، مستله جنگ و بودن سلاح در دست مردم و وجود گروهها و گروهکاری سیاسی و نظامی و فعالیت‌های ضد انقلابی ستون پنجم و عوامل دیگر فعلاً درین مرحله تأمین امنیت قضائی تحت قوه قضائیه مشکل بنظر می‌رسد»

ایشان صدرصد حق دارند، جنگ است، سلاحها در دست مردم است، گروهکاری سیاسی هنوز فعالیت دارند، گروهکاری سیاسی وجود دارند. ضد انقلاب هم که جای خود دارد.

با اینهمه شما چگونه انتظار دارید قوه قضائیه برای شما امنیت قضائی ایجاد کند؟! آیا اینهمه گرفتاری و دشواری را نمی‌بینید؟؟!

جادبه کاخ دادگستری ۱۱؟

سرانجام دانسته بنشد که این کاخ دادگستری چه کششی دارد که همه‌ی هیئت‌ها و فرستادگان دولتهای خارجی و حتی بسیاری از سفیران کشورهای دیگر اجبار دارند سری هم به آنجا بزنند و بر سبيل اتفاق! با رئیس شورای عالی قضائی درباره‌ی مناسبات اقتصادی و سیاسی کشورهای متبع خود با ایران «گه» بزنند و..... خیلی تعجب اور است، نه؟!!

اندراثرهای مثبت جنگ

درست است که نخست وزیر گفته: «یکی از آثار مثبت جنگ این است که این همه خواهان مادر خانه‌ها به افتخاری و تهیه لوازم زندگی مشغول شدند.....»

اما باید گفت مثبت‌ترین اثری که این جنگ داشته این است که شر مهمنان نوروزی را سر مردم تهران، شیم‌ساز و اصفهان و شهرهای خوزستان کنده است و اهالی این شهرها دیگر با مزاحم‌هایی به نام مهمنان نوروز سروکار نخواهند داشت! .

چشم چرانی موقوف؟!

این کاخ خبرنگاری و عکسبرداری روزنامه هم کار پر زحمت و در عین حال پر مستولیتی است. بیویژه وقتی که می‌خواهند از یک اجتماعی و سخنرانی مطلب و گزارش و عکس تهیه کنند. چرا که باید شش دانگ حواس‌شان همه جا باشد و هم از سخن‌های سخنرانان یادداشت بردارند و هم از جمعیت و حادثه‌های جنبی آنقدر جالب است که اصل قضیه و مستولیت‌های حرفلای فراموش می‌شود و خبرنگار و عکسبردار شش دانگ می‌روند توی جنبه‌های جاتی! قضیه از این قرار است که یکی از سخنرانان می‌تینگ روز پنچ شنبه به حزب «ملعونی» اشاره کرد که بعد از بیست و دوم بهمن تشکیل شده و باقی قضایا.

اما عکس‌هایی که در روزنامه جمهوری اسلامی روز شنبه چاپ شده بود بیانگر این واقعیت بود که خبرنگار و عکسبردار این روزنامه آنچنان محو چشم چرانی بوده‌اند که نفهمیده‌اند سخنران به کدام حزب اشاره کرده است و بهمین جهت در این روزنامه نوشته است که سخنران: «... به حزب «جمهوری اشاره کرد که گویا بعد از بیست و دوم بهمن تشکیل شده....»!! بدون ذکر باقی قضایا!!!

آگهی رسمی فوبت دوم

پیرو آگهی انحلال در روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۶۱ تیر ۵۹/۶/۳۱ شرکت پارس تولیسا با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۹۰۱۱ در اجرای ماده ۲۲۵ لایحه قسمتی از قانون تجارت از کلیه بستاکاران دعوت می‌شود ظرف ۶ ماه از اولین آگهی بنشانی مدیر تصفیه مراجعته نمایند و لا اقدام قانونی معمول دیشود. مدیر تصفیه

به این «مکتب» زده‌ها

همبستگی ملی همه بفرنج‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که امروز گریبانگر می‌ردم

است، از پیش روی بردارد ولی چنین نشد و امروز با دریغ دیده می‌شود، نه تنها کرسی نشستن

خانه ملت هیچیک از این وظیفه‌های سنگینی را نشناخته‌اند

که روند کارشان در این مدت یکونه‌ی صحنه‌های چندش اوری از شوخی‌های پیش پا افتاده و جداول‌های کود کانه در ذهن

همگان نقش بسته است و جناح بندیها انصار اکرانه عامل کند

کنندگی حرکتهای انقلابی گردید و آن شمار اندک از سازشکاریها و باشیوه‌ی درست به

مجلس راه یافتد در این مدت هیچ نقش چشمگیری ایفا نکردند.

با توجه به آنچه گفته شد و در حالیکه هیچ تغییری در کاربودستان و سازمان وزارت

کشور که مستولیت بر گزاری آن انتخابات نادرست را بر عهده داشت. پیدید نیامده است و انحصار گری روند تدبیری بخود

گرفته است و آزادی‌های فردی و اجتماعی هر روز با حصر تازه‌ای رو برو می‌گردد بگونه‌ای که برخی از دست‌ندر کاران حکومت ناجار

به بیان آن و برخی ناگزیر از توجهی! آن شده‌اند، بر چه پایه‌ای دولت مکتبی خواهان برگزاری انتخابات است.

مجلس که هیچیک از وظیفه‌های قانونی خود را بدرستی انجام نداده و تنها به نشستن و برخاستن و

کشمکش‌های زیانبار، بسته کرده است چه نیازی به افزوده شدن با کاستن نمایندگان واقعی

مردم به جایگاهی که می‌توان سرونشست ایران و انقلاب را به شایستگی رقم زند، راه نیافتد.

هر کجا چهره‌ی مردمی، مبارز و با گذشته روشش به میدان آمد با جیله‌ای کشیف و دخالت‌های آشکار از سرراه برداشته شد

و سرانجام مجلس یکدست!! ساختند تا هیچ سدی در برابر خواستها و هووس‌های بی پایان آنها پدید نیاید.

و در تصویر چهره مجلس دوران سازندگی انقلاب در همان شماره نوشته شد «در حالیکه جامعه رایکه تازی‌های ناپاخردانه دچار موج نفاق و چند دستگی نموده و همه جارا تشنیج فراگرفته است، پیچیده‌ترین بفرنج‌های اجتماعی و حیثیتی ملت ایران بایی اعتنای و گاه لودگی رو برو می‌شود».

پیش از انتخابات، زمانی که هنوز خاطره‌ی نخستین رای گیری‌ها در جمهوری اسلامی در ذهن‌ها می‌درخشید و امید می‌آفرید وزنگار تردید و کدورت بر باورها نشسته بود، مردم نخستین دوره مجلس شورای بعد از انقلاب رایک دوره قانون‌گذاری «ویژه» می‌پنداشتند و بی گمان

اگر انحصار گری بر انتخابات نمایندگان آن حاکم نشده بود و قدرت طلان بادخالت‌های آشکار و نهان این مردمی ترین نهاد جمهوری رازبر سلطه نگرفته بودند، مجلس می‌توانست

بنیادهای انقلاب اسلامی ملت ایران را استوار سازد و تداوم آنرا پاسداری نماید و استقلال

و ناوابستگی کشور را تامین و آزادی‌های فردی و اجتماعی را تضمن کند و عشق به نظم و کار را در مردم برانگیزد و دستگاه

ربویه را درجهت سامان بخشی از این دستاوردهای خوبی ایجاد کرد که گویا بعد از بیست و دوم بهمن تشکیل شده و باقی قضایا!

مردم از رئیس جمهور در این هنگامی سخت گذر تاریخ انتظار آن دارند که نقش پویاتری در جریان‌های جامعه ایفا کند و اجازه ندهد حاکمیت ملی بیش از

این لطفه بیند و آزادی‌های فردی و اجتماعی، این دستاوردهای خوبی ایجاد ناگزیر از واکنش خواهد شد.

مردم از رئیس جمهور در این هنگامی سخت گذر تاریخ انتظار آن دارند که نقش پویاتری در جریان‌های جامعه ایفا کند و اجازه ندهد حاکمیت ملی بیش از

این لطفه بیند و آزادی‌های فردی و اجتماعی، این دستاوردهای خوبی ایجاد ناگزیر از واکنش

عرض خطر قرار گیرد.

مردم از رئیس جمهور انتظار دارند با استفاده از حقوق قانونی خوبی از انجام انتخابات بیش از

ایران گرفتن پیروزمندانه نبرد می‌هی و بدید آمدن شرایط لازم جلوگیری نماید.

در جهان ملت‌ها چه می‌گذرد

قتل هشتاد آموزگار در السالوادور

اتحادیه ملی آموزگاران السالوادور در بیانیه‌ای اعلام کرد، در دوهفته گذشته هشتاد تن از کارکنان آموزش و پرورش این کشور به شکل وحشیانه‌ای به قتل رسیده‌اند در این بیانیه همچین گفته شده است، در سال گذشته صدها آموزگار به سبب داشتن فعالیت‌های سیاسی قربانی حکومت ضدمدمی السالوادور شده‌اند.

از سوی دیگر کارکنان آموزش و پرورش و نزوئلا در بیانیه‌ای ضمن محاکوم کردن جایتهای حکومت آمریکائیها شرافتمند با جنبش انقلابی مردم السالوادور شدند.

گسترش نمایش‌های مردمی در پاکستان

براساس گزارش‌های رسیده موج تظاهرات و اعتراضات گسترهای پاکستان را فراگرفته و بدنبال آن تعداد زیادی از مؤسسه‌های آموزش عالی دانشگاهها به دستور مقامات نظامی پاکستان بسته شده است.

همچنین به موجب گزارش‌های رسیده، استان پیشاور در چند روز اخیر شاهد برپایی تظاهراتی دامنه‌دار علیه ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان بوده است.

بحران اقتصادی در لهستان

براساس گزارش‌های رسیده از منابع چکسلواکی، به علت عدم امکان تعمیر و نگاهداری وسیله‌های کشاورزی، لهستان در تولید مواد غذائی با دشواریهای جدی روبرو است.

به موجب این گزارشها بیش از یازده هزار تراکتور در لهستان احتیاج به تعمیر دارند که تا آخر سال جاری ممکن است نیمی از آنها آمده به کار شوند.

در این میان وزیر اقتصاد آلمان فدرال اعلام کرد، این کشور در اجلas جامعه اقتصادی اروپا که قرار است در بروکسل تشکیل شود، از کمک غذائی کشورهای اروپای غربی به لهستان حمایت خواهد کرد.

ادامه تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان

«شفیق وزان» نخستوزیر لبنان برای رویاروئی با تهاجم‌های روبه افراش اسرائیل به جنوب کشور خود، خواستار اقدام دسته جمعی عربها شد.

نخست وزیر لیban با انتشار بیانیه‌ای در مورد تجاوز اخیر کشورهای عرب به قدر کرد، این اعتصاب تمامی نیست تمامی تاکون در حریان تهاجم‌های اسرائیل به جنوب لیban شرکت کند.

تاکون در دهها تن کشته و رخمه شده‌اند.

ادامه اعتراض دانشگاهیان مواکش

سه شنبه گذشته، دوهزار تن از استادان و دانشجویان دانشگاه‌های مواکش به مدت بیست و چهار ساعت دست به اعتراض غذا زدن. در این میان سخنگوی «اتحادیه ملی دانشجویان مرکش» اعلام کرد این اعتراض غذا بینظور اعتراض به عدم قبول درخواست‌های استادان و دانشجویان بوده است. از بیست و ششم زانویه گذشته تاکون دانشجویان و استادان دانشگاه‌های مواکش به عنوان اعتراض علیه کاوش بورسها و همچنین درخواست تجدیدنظر کامل در وضع حقوق دانشگاهیان در دست به اعتراض زده و از حضور در کلاس‌های درس خودداری می‌کنند.

اعتراض آموزگاران فلسطینی

براساس گزارش‌های رسیده بیش از هفت هزار تن از آموزگاران مدرسه‌های فلسطین اسغالی از سه ماه پیش دست به اعتراض زده‌اند.

آموزگاران انتسابی خواهان افراش حقوق با توجه به نزدیم در طی چند هفته گذشته مبارزان افغان با رفتار خشن در پایه‌های انتظامی اسرائیل در شهر «رام الله» دست به تظاهر زدند و خواهان قبول درخواستهای آموزگاران اعتراضی شدند.

ادامه نبرد در افغانستان

به دنبال تهاجم‌های گسترهای حکم‌گذاران افغان به جاده‌های تدارکات نظامی، روسها راههای آمد و رفت خود را تغییر داده‌اند در طی چند هفته گذشته مبارزه مبارزان افغان با رفتار خشن در پایه‌های انتظامی اسرائیل را مورد حمله قرار داده‌اند.

آدمان ملت

ارگان حرب ملت ایران

ارج جوانان ایران زمین

درهای سسته دانشگاهها، دانشگاههایی که در این برده تاریخی باید مرکز گسترش داشت و پژوهش باشد، نمی فرستند غمی ایرانی است، فرهنگی که پرورشگاه مردانی بر رگ چون پورسیا بوده، هر روز خبر از تعطیل یکی از امور شگاهها در تاریکترین لحظهای زندگی ملی به مانند شیران غران به گوشاهی از کشور میرسد و خطر بی بهره ماندن فرزندان ایران را از داشتن اندو زی بیشتر میکند.

از جام این ندام کاری «مکتبی» ها جز واژگی جوان ایرانی از انقلاب و به کام سرسپرد گان بیگانه افتادن، سرانجامی ندارد.

جوان ایرانی را دریابید و به دست اویز «مکتبی» نبودن دایره عمل را بروی تنگ ندارید و به این فرزندان برومند میهن فرست دهید تا نشان دهند چگونه توانایی انجام ناممکنها را دارند. همانند غنجهای که به تازگی روئیده و نیروی شفکتگی را در نهضت خود دارد، جوان ایرانی نیز ابانته از توان آفرینندگی است، اما هر دو نیاز به مراقبت دارند و گرنه خواهد پژمرد.

شما ای کاربستانی که به نام «مکتب» در حال تیشه زدن به ریشه هوش و اندیشه جوان ایرانی هستید، بس کنید، که میهن در خطر و زمان درگذر است.

چگونه میخواهید پاسخ تاریخ را بدھید؟ تا کی میخواهید ویرانگری کنید و تا کجا به خاطر «مکتب» و به خاطر تقویت حزب مکتبی خود، جوان ایرانی را به خاموشی و امیدارید.

جوان ایرانی در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران نقش تعیین کننده ایفا کرده است

و اکنون هم در رویا رویی با تابسمانیهای کنونی میهن خویش با عزمی راسخ میتواند از هر انحرافی جلوگیری کند. جوان ایرانی آگاه است که مزدوران بیگانه چه دامنهای اهریمنی در راهش گسترش دارند و بیش کن آن را نیز چون گماشتنگان پروروز و زرنظام استبدادی زیر سلطه استعمار به ناکامی خواهد گشاند.

جوان ایرانی به خوبی می داند که در بوته آزمایشی بزرگ قرار گرفته است و برای از میان برداشتند گیران استقلال طلبان و آزادیخواهان که جدول از شههای انقلاب را با همی هستی پس میدارند، بپیوندند.

نیازمندیهای مردم کاست به عوض با اجرای سیاستی نادرست تا راستاییان تولید کننده را به انسانهای مصرف کشانند، باید کوشید تا وسیله های رفاهی شهری را که جاذبه دارد به روتا برداشته باشند و با این روش از زندگی را برای شهری و راستایی با برایر فراهم ساخت و با برنامه ریزی درست وزمان بندی شده بر «بفرنج» چیره شد و کشاورزی ویران شده را دوباره بازسازی کرد.

ایران زمین در طول تاریخ پر فرازو نشیب خود پرورشگاه جوانانی بوده که با بردهای حمامهای، بارها و بارهای آرمانخواهی خویش را به انتبات رسانده اند.

جوانان ایران زمین در تاریکترین لحظهای زندگی ملی به مانند شیران غران به سیز با استبداد واستعمار

بر خاسته و تصادست یافته است.

پیروزی و افتخار از بانشته اند.

در طول سالها و ماههای سیاه اختناق جوان ایرانی پیاپی برآمده بینان کوردل تاخت آورد و

و با ایثار جان برگاهی زریمنی بر کتاب تاریخ تابناک ایران افزود.

در آن شب تاریک دانشجوی ایرانی در سنگر دانشگاهها و دانش آموز ایرانی در سنگر آموزشگاهها پر خاش و خوش پیوسته داشت و پیام آور روشی صحیح امید بود.

انقلاب اسلامی ملت ایران، بهترین جلوه گاه فداکاریهای جوانان ایرانی بود که در زیر وزیر و زیر آن آورده اند که جوانان آموزشگاهها پر خاش و خوش

وضع نادرستی باعث شوند که هر عدد سی و هشت ریال در اختیار مرغدار قرار میگرفت، امروز در بازار سیاه به نود ریال رسیده و آن هم نایاب میباشد، آیا شرم آور نیست که با ایجاد چنین

چشمگذار شرط مرغ چنان کمیاب گردد که کیلویی ۳۲۰ ۴۰۰ ریال در بازار بفروش رسد. آیا کاربستان

بخود زحمت داده اند که دشواریهای دامداریهای کشور را

وزیر آن آورده اند که جوانان از هر گروه اجتماعی از کارگر و پیشه ور گرفته تاده قان

دوش به دوش یکدیگر از خود تهی شده، پیکار میکرند.

در آن دوران سرنوشت ساز چماقی به نام «مکتب» وجود نداشت تا خشک و تر رادر کنار هم بسویاند و تو مار یگانگی پر مثر

جوانان ایران رادر هم پیچد.

هنسوز هم دوسال پس از از

پیروزی انقلاب برغم تمامی «مکتب بازیها» و «انحصار گریها»

این جوان بیدار دل ایرانی می باشد که در جمهوری «نبرد

میفروشند و وجهت ذبح تحويل میدهد.

اما بخلاف به این واقعیتها جای

کوhestانهای پربرف ایلام دشتهای خون گرفته خوزستان

و آبهای گرم خلیج فارس و آسمان نیلگون جمههای جنگ اکنون

جوانانی را شاهد هستند که در راه پاسداری از میهن

شهادت را چون فریضهای پذیرا میشود و قاله افتخار آفرین آنان را سرباز ایستاند نیست.

افسوس و هزاران افسوس که در ایران از بند رسته و در گیر با

دشمن خود فروخته، کاربستان نادان و گاه کوردل و در هر حال

ناتوان با عملکردهای نادرست خویش، جوانان ایران را بدانسان

نامیدی و دلسُری قرار گرفته

همکون واحدهای پرورش گوشت مرغ (مرعداریها) در حال رکود میباشد و تولید بسیار

چشمگیر کاهش یافته است.

کاربستان بحوبی میدانند

که پرورش مرغ و تهیه گوشت آن از پخت بو آسانتر است و فقط با

یک برنامه ریزی صحیح میتوان

این دشواری را حل نمود و بطور

بنیادی با ایجاد واحدهای مرغ

مادر، تهیه مرغ و تخم مرغ را از

این حالت مونتاژ خارج و قسمت

بیشتر نیاز جوجه یکروزه را در

داخل کشور تأمین کرد.

ولی کاربستان نایاب آن بهتر

باث بخشی بینان ریزیا این

فرآوردهای زندگی به شهربازان

میتوانند قسمتی که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا گشاورزان نگذاشته اند؟

آیا تقصیر از روستائی است که بر

گدم و جو گدشت.

در مورد پنهان که ایران هر سال

نیازمندیهای زندگی به شهربازان

میباشد، همچنان که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

اعلام خطر

و بینج نیز همان رفته است که بر

گدم و جو گدشت.

در مورد پنهان که ایران هر سال

میباشد، همچنان که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

اعلام خطر

آیا تقصیر از روستائی است که بر

خانه و کشتگاه خود را ترک کرده

و برای بسته آوردن کمترین

نیازمندیهای زندگی به شهربازان

میباشد، همچنان که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آغاز شده باشند!

آیا تقصیر از روستائی است و

دستورالعمل که سرمه

آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

نکته‌ها

اصلت یار سالت؟

خبر سفر نخست وزیر به خرم آباد و سخنان ایشان در جمع استقبال کنندگان که در صفحه آخر روزنامه کیهان، شنبه نهم اسفندماه چاپ شده است نگرانی زیادی وادرایین علاوه‌نمدان به زبان و ادبیات فارسی ایجاد گرده است. آنگونه که این روزنامه نوشته است آقای نخست وزیر گفته‌اند؟ «اصلت مایا پاده کردن حکومت اسلامی است...» در حالی که لفت شناسان معتقد هستند که آقای رجایی اشتیاه کرد و دنور گچه در «اصلت» ایشان تردیدی نبود امداد ظاهر «رسالت» ایشان باید «پیاده کردن حکومت اسلامی...» باشد. امید است با خاطر این لفت شناسان «ملائمه» هم که شده از این به بعد آقای رجایی «اصلتشان راجایی» رسالت‌شان نگذارد!!

چه اشتباه بزرگی؟؟!

تا حالا تصویر بر این بود که در ماجراهی «کوچصفهان» چرخه‌ای ماشین آیت الله لاهوتی با ۳-۲ پاره شده و اینهمه سروصد و الم شنگه به راه افتاده و همه را به جان هم انداخته است. اما توضیح امام جمعه کوچصفهان ابهام را از میان برد و باز دیگر ثابت کرد که بعضی‌ها چگونه گول عناصر فرست طلب را بخورند و «بدون تحقیق» بیخودی نامه مینویسد و جارو جنجال به راه میاندازند. حجت‌الاسلام مستقمی، امام جمعه کوچصفهان در شرح ماجرا میگوید، «..... در این لحظه گروهی چرخ ماشین آقای لاهوتی را که همسرش در داخل آن نشسته بوده پاره کردن.

در این مورد باید اضافه کنم که گروههای فرست طلب شایع کردند که لاستیک‌های ماشین آقای لاهوتی را با ۳-۲ پاره کرده بودند، که این شایعه را من شدیداً تکذیب می‌کنم!!

ضمن سپاسگزاری از حجت‌الاسلام مستقمی بخطاب

روشن کردن اذهان عمومی، جا دارد از ایشان به شدت گله بشود که چرا این موضوع را همان اول فاش نکرددند و اجازه دادند که اینهمه علیه چم‌قداری و ۳-۲ کشی تبلیغات سوء بشود؟!!

آقای اولاف پالمه نگران نباشد

بعضی از این دیبلماتهای خارجی خیلی از مرحله پر تند و با وجود اینهمه رفت و آمد و دید و بازدید هنوز دولتمردان «مکتبی» را نشناخته‌اند.

همین آقای «اولاف پالمه» یکی از اینهاست که در آخرین سفر خود به ایران گفت «در ایران به هر کس مراجعت میکنم، میگوید مذاکره نمی‌کنم». اما آقای اولاف پالمه هنوز با اینهمه سیاست و کیاست تفهمیده است که سیاستمداری آنها از نوع مکتبی چه شوهای دارد، تازه آنهم برای مذاکره در مورد مسئله‌ی جنگ عراق علیه ایران. آقای عزیز اول صحبت از حمله به عراق است، گرفتن بغداد، بعد گفتارها حاکی از آن که دشمن را در خاک خود تحمل نمیکنیم و بعد به دفاع و جلوگیری از پیشرفت بیشتر دشمن بسندۀ میشود. بعد این سخن شنیده میشود که: «تجاویز دولت عراق به ایران بر سر مقدار آبی است که نه از نظر استراتژیک قابل اهمیت است و نه از لحاظ منابع معدنی.....» بعد سرو کله شما پایدا میشود، سپس هیئت‌های ریز و درشت دیگر می‌آیند و میروند اما برای اینکه دولت تضعیف نشود به همه‌ای این‌ها گفته میشود که: «ما مذاکره نمی‌کنیم»! بعد از همه این مقدمه چنین‌ها انجمنهای کوچک و بزرگ ورزی و درشت نامه و طومار بفرستند که «چرا تکلیف جنگ را معلوم نمیکنید» حالا که ما آن استفاده سیاسی را که از جنگ میخواستیم کرد، ایام چرا دماغ صدام را به خاک نمی‌مالید.. و سرانجام دولت را وامدارید تا سرگم اکراهی که برای این کار دارد!! حتی اگر بنهانی هم شده با کافران بعثی به مذاکره بنشیند، بله آقای پالمه تحمل کنید و ایسندر نگران نباشد!!

سرود یاد مستان دادن

یکی از روزنامه‌های خبری در هفته گذشته نوشته بود، قانون اساسی ایران تنها قانون اساسی جهان است که یک اصل مستقل در رابطه با حفاظت محیط زیست دارد و در این اصل آمده است که «..... در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی میگردد.

یکی نیست به این روزنامه‌ها بگوید که آقا چکار به قانون اساسی دارید و چرا سرود یاد مستان میدهید؟ اگر همین فردا عده‌ای آمدند و گفتند «حفاظت محیط زیست» لیبرال است و یا سازشکار است و یا «از قانون اساسی اخراج باید گردد»، چه جوابی دارید بدھید؟ بقیه در صفحه ششم

از کفر مکارهای

پرونده‌های

تولید می‌شوند میتوانند و از تویاری میجوین.

فراخوان

چهاردهم اسفندماه، چهاردهمین سالگرد روز اندوه‌باری فرا می‌رسد که ملت ایران بزرگ پیشوای خود دکتر محمد مصدق را از دست داد. تابندگی اندیشه و فرو زندگی آموزشی نهفته در گفتارها و کردارهای مصدق نه تنها به ثمر رساننده پیکارهای استقلال طلبانه و آزادی‌خواهانه ایرانیان، که به راستی روشنی بخش راه سخت‌گذر ملتهای زیر سلطه بود.

روز چهاردهم اسفند با همه‌ی غبار غمی که در دلها میریزد، گنجایش آنرا دارد که روز وفاتی به پیمان، روز بزرگداشت مصدق، این چلچراغ تاریخ گردد.

حزب ملت ایران، امسال نیز به گونه‌ی همه‌ی سالهای پر فراز و نشیب گذشته از همه‌ی زنان و مردان ایرانی میخواهد در هر کجای میهن هستند با گستردگی هرچه بیشتر، یاد مصدق را گرامی دارند و آنان که میتوانند برای ادائی احترام در مزار این قهرمان ملی حضور یابند.

حزب ملت ایران از تصمیم رئیس جمهور به سخنرانی آگاهی دهنده در این روز استقبال میکند و همه‌ی وابستگان و هواداران خود، همه‌ی رهروان راه مصدق و همه‌ی حزبها و سازمانهای سیاسی برخاسته از بعتر نهضت ملی که به اردی انتقلاب پیوسته‌اند را فرا میخواند تا بی‌هیچ نشان و ویژه‌ای از ساعت سه بعد از ظهر روز پنجمینه چهاردهم اسفندماه در دانشگاه تهران گرد هم آیند.

یکشنبه دهم اسفند ماه ۱۳۵۹

دبیرخانه حزب ملت ایران

از خبرهای هفته

اعتبار تولیدی سال آینده

وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، در گفتگویی پیرامون بودجه سال ۱۳۵۰ گفته است که میزان آن کمتر از سال ۱۳۵۹ نخواهد بود.

بودجه سال ۱۳۵۹ نخست هزار میلیارد ریال بود اما سپس بواسطه جنگ و محاصره اقتصادی، میزان آن به ششصد میلیارد ریال کاهش یافت که از این مقدار حدود پانصد میلیارد ریال آن جذب شده است.

در سال آینده اعتبارات، بیشتر به گروههای خواهد شد پجز در مورد طرحهای بزرگ و تخصصی، مانند شبکه سراسری برق، سدسازی و برنامه‌ها نیز بصورت استانی در خواهند آمد.

یادبود ملّا مصطفی بارزانی

روز یکشنبه دهم اسفندماه آن گروه از وابستگان حزب دموکرات کردستان عراق که اکنون در ایران پناهندگان هستند، دومین سالگرد مرگ ملّا مصطفی بارزانی جنگاور دلیر و بنیادگار حزب خود را در بعضی شهرها بربا داشتند.

در آینه یادبود ملّا مصطفی بارزانی که در عظیمیه کرج بربا گردید شماری از نمایندگان دبیرخانه و وابستگان حزب ملت ایران حضور یافتند.

تنی چند از این وابستگان حزب ملت ایران کسانی بودند که در کنار پیشمرگان حزب دموکرات کردستان عراق در آنسوی مرز با مزدوران دولت نژادگرای بعثت گنگیده بودند. همچنین در آینه یادبودی که از سوی کردانه در شهر اصفهان در مسجد سید بربا گردید نمایندگان دبیرخانه سازمان شهرستان اصفهان حزب ملت ایران شرکت جستند.

سرانجام اعتصاب کارکنان منطقه سه شرکت واحد

هفته گذشته، کارکنان منطقه سه شرکت واحد اتوبوس‌رانی، به عنوان اعتراض به چگونگی پاداش آخر سال، اعتصاب کردند.

دولت تصمیم گرفته است به عنوان پاداش سالانه، حقوق کارمندانی را که کمتر از هفت هزار تومان میباشد برای ماه اسفند به هفت هزار تومان برساند ولی رانندگان شرکت واحد خواهان اجرای پیمان دست‌جمعی که برآسان آن شصت و دو روز عیدی به رانندگان شرکت واحد تعلق میگرفت، بودند.

بدنبال اعتصاب رانندگان، عده زیادی از مردم به شرکت واحد اتوبوس‌رانی در سرگزش شدند تا با سه محل تحصن اعتصاب کنندگان رفته و آنها خواستند تا با توجه به شرایط جنگی دست ازاعتصاب بردارند و تصویب‌نامه دولت را پیرامون پاداش آخر سال پذیریند. پس از این خواهش مردم، رانندگان اعتصابی در صبح دوشنبه چهارم اسفند اعتصاب خود را شکستند و به سرگزش باز گشتد.

کسری بودجه سال جاری

در نشست روز دوشنبه چهارم اسفند، مجلس شورا، مهندس معین فر، سخنانی بیان داشت و در بخشی از آن به وضعیت اقتصادی ایران و بودجه کشور اشاره کرد معین فر گفت: «بودجه سال ۱۳۵۹ ما با کسری بیش از ۸۰۰ میلیارد ریال در شرف انجام است و با این ترتیب جمع قروض دولت به بانک مرکزی بالغ بر ۲۵۰ میلیارد ریال خواهد شد که آگاهان به امور اقتصادی و مالی کشور را ساختند و به سرگزش نموده است.»

وضع دادستانهای انقلاب

در روزهای اخیر لایحه مربوط به شرح وظایف دادستانهای انقلاب در ۱۹ ماده از طرف دولت به مجلس برده شد. در این لایحه ضمن تعیین وظایف دادستانهای و نحوه اعزام و نصب آنها، چگونگی احصار متهم و نحوه بارزپرسی ها نیز روشن شده است.

براساس این لایحه تمام نیروهای نظامی و انتظامی و شهیداریها و اشخاص حقیقی و حقوقی وظیفه دارند دستورهای دادستانهای انقلاب و بازپرس و دادیار دادسراهای انقلاب را با سرعت اجراء کنند و در غیر اینصورت تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

همچنین به پاسداران اجازه داده شده است در مواردی که خوف فرار متمم باشد و شخص مورد اتهام از اشخاصی باشد که بهیچ وجه مسامحه و سهل انگاری در دستگیری او صلاح نباشد، «متهم را» بدون اجازه دادستان دستگیر نمایند و «بلافاصله باطلع دادستانی برسانند.

لغو اعتبار ارزی برابر امتیاز

وزارت صنایع و معادن در اطلاعهای اعلام کرد که بهیچ صورتی باعتبار ارزی برای پرداخت امتیاز استفاده از نامهای خارجی برای تولیدات داخلی، موافقت نخواهد کرد.

بهینه جهت از تمام واحدهای صنعتی خواسته است که هرچه زودتر در تبدیل نام کالاهای تولیدی خود اقدام کنند.

سرنگونی داد حکومت نژادگران عراق